



تب تند خرید «خانه باغ» بر تن سبک زندگی تبریزی‌ها

فرهنگ جدیدی که اگر بشود نام آن را فرهنگ گذاشت و نه بدعت! این روزها بیش از همه بر تن تبریز سنگینی می‌کند، خرید «خانه باغ» توسط شهروندان تبریزی این روزها به بحث مجالس و نقل محافل تبدیل شده و زبان به زبان و خانه به خانه می‌گردد.

فرهنگ جدیدی که اگر بشود نام آن را فرهنگ گذاشت و نه بدعت! این روزها بیش از همه بر تن تبریز سنگینی می‌کند، خرید «خانه باغ» توسط شهروندان تبریزی این روزها به بحث مجالس و نقل محافل تبدیل شده و زبان به زبان و خانه به خانه می‌گردد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، این روزها سبک زندگی مردم تبریز و ذائقه آنان به شدت تغییر کرده است. افزایش میل و رغبت برخی از شهروندان به سمت خرید خودروهای خارجی منطقه آزاد تجاری ارس تنها یک نمونه از این تغییر شیوه زندگی است.

تغییر ذائقه غذایی و تمایل به مصرف غذاهای آماده، علاقه به تزئینات گرانقیمت درون خانه و نحوه پوشش و آرایش جوانان همه و همه نمودی از این تغییرات محسوس در پیکره گذشت زمان است. اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. فرهنگ جدیدی که اگر بشود نام آن را فرهنگ گذاشت و نه بدعت! این روزها بیش از همه بر تن تبریز سنگینی می‌کند، خرید «خانه باغ» توسط شهروندان تبریزی این روزها به بحث مجالس و نقل محافل تبدیل شده و زبان به زبان و خانه به خانه می‌گردد.

گاه فاصله این خانه باغ‌ها از تبریز بیش از یک ساعت است و هر چند با مشکلات و موانع متعددی نظیر کمبود آب، جاده دسترسی، اجازه حفر چاه آبیاری، اصالت زمین و نوع مالکیت آن روبرو هستند اما با این حال این موج تملک «خانه باغ» با فضایی اختصاصی که بتوان روزهای تعطیل و آخر هفته را به همراه خانواده و آشنایان در این فضاها سپری کرد، به شدت در میان خانواده‌های آذربایجانی رواج یافته است.

موضوع خرید باغات اطراف تبریز از سوی مردم متمول تبریز، از حدود دو دهه پیش و در منطقه شرق این شهر و در محور تبریز به سمت باسمنج، روستاهای هروی، بیرق و لبقوان رایج شده، برخی از ثروتمندان تبریز، در این دوره باغاتی را در این منطقه خریداری کرده و با ساخت بناهایی شیک در داخل آنها این «خانه باغ‌ها» را به محل استراحت و بیلاق‌های تفریحی خود مبدل کردند.

هر چند به دلیل بافت جمعیتی تبریز و غلبه ترکیب غیربومی بر جمعیت بومی و شیب تند مهاجرت به آن، بسیاری از ساکنان این شهرها زادگاهی غیر از تبریز داشتند و طبعاً ترجیح می‌دادند که آخر هفته به زادگاه خود مسافرت کنند و نیازی نیز به خرید باغ و مزرعه و ویلای جدید نمی‌دیدند. این عده تنها با هدف سرکشی به املاک خود اعم از کشتزار، مزرعه و باغ به شهرها و روستاهای خود مراجعه می‌کردند و هدفی غیر از این نداشتند. اما با پیدایش اولین رگه‌های کشش به سمت تملک باغات اطراف تبریز، این موج به شدت در طی سالیان اخیر رواج پیدا کرد به گونه‌ای که داشتن «خانه باغ» به یک شاخص مهم در تشخیص و جایگاه افراد و ملاک توانمندی آنها مبدل گشت. حالا دیگر عده‌ای ترجیح می‌دهند خصیصه تبریز بودن شهر تبریز را نه در کلام و شعر و ادبیات قدیمی که در عمل و در میان درختان رویایی باغات اطراف تبریز جستجو کنند.

در این احوال پر آشوب و در زمانی که قیمت زمین به طرز بی‌سابقه و کاذبی بالا رفت متأسفانه برخی از صاحبان املاک و باغات و نیز مشاوران ملکی و بنگاه داران آتش بیار معرکه شده‌اند و تلاش می‌کنند از این آب گل آلود، ماهی‌های چاق و چله برای خود صید کنند.

نفس داشتن باغ و توسعه فضاهای سبز و سپری کردن تعطیلات به همراه خانواده در این باغ‌ها و ویلاها، امری پسندیده و نیکوست اما اگر شرایط و چارچوب‌های این تغییر رفتار و سبک زندگی، منطبق بر منطق و واقع گرایی نباشد می‌تواند خسارت‌های جبران ناپذیری را بر پیکره جامعه در حال رشد و توسعه آذربایجان شرقی وارد آورد. از یک سو می‌تواند منجر به تخریب کشتزارها و زمین‌های زیرکشت و مزارع حومه شده و از سوی دیگر می‌تواند منابع آبی این منطقه و حوضه آبریز دریاچه ارومیه را که خود در آستانه خشکسالی است مورد تهدید و تخریب قرار دهد. از سوی دیگر این تب تند مالکیت باغ می‌تواند منابع مالی خانوارهای متوسط شهری را به جای هزینه کرد آن در امر تولید و بهبود وضعیت زندگی و رفاه خانواده به سمتی سوق دهد که جز استفاده موقت و کاذب نمی‌تواند اثراتی داشته باشد.

باغداری و باغبانی برخلاف برخی تصورات شهرنشینان، امری بسیار پرمشقت و فوق‌العاده هزینه بر است. متأسفانه بسیاری از ساکنان شهرها بر اساس تصورات و تخیلات خود، و با الگو گرفتن از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی تنها به چیدن میوه از باغ و گشت و گذار شاعرانه در بین درختان سرسبز و نفس کشیدن در میان شکوفه‌های سیب و گیلان محدود نمی‌شود.

نگهداری یک باغ کوچک چه در فصل کشاورزی و چه در فصل غیر بهره‌برداری نیازمند صرف وقت و هزینه بسیار و نظارت دقیق و کامل بر وضعیت آن است. لحظه‌ای غفلت از وضعیت آن می‌تواند همه هزینه‌های نگهداری و نهاده‌های کشاورزی گرانقیمت را بر باد دهد.

متأسفانه و بر اساس تبلیغات کاذب برخی فرصت‌طلبان و در سایه بی‌توجهی متولیان زمین، مسکن، منابع طبیعی و محیط زیست استان، باغات، کشتزارها و منابع آبی و خاکی به شدت از سوی همین فرصت‌طلبان سودجو که سعی می‌کنند اراضی بکر این استان را به جماعتی کم درآمد تا متوسط درآمد غالب کنند تهدید می‌شود.

چند برابر شدن قیمت زمین و باغ شهرها و روستاهای اطراف تبریز برآیند و نتیجه چنین سهل‌انگاری و بی‌توجهی به این معضل در حال رشد است. نصب پلاکاردهای بسیار و مختلف بر روی دیوار بسیاری از باغات و اراضی شهرهای اطراف نظیر صوفیان، شبستر، مرند، بستان آباد، اسکو و آذرشهر و خسروشهر و باسمنج و سردرود گویای این واقعیت است که این بدعت و تب به سرعت در حال رواج در بین خانواده‌های آذربایجانی است و به نوعی به چشم و هم چشمی خانواده‌ها مبدل شده است.

بعید نیست که با روند کنونی معامله و خرید و فروش زمین و باغ در اطراف تبریز فرهنگ و سبک زندگی شهرها و روستاهای اطراف تبریز به سرعت و به طرز مسموم‌کننده‌ای دچار تغییر و تحول شده و در نهایت تبعات این تغییر هنجارها، در سال‌های بعد سنگینی خود را بر دوش کلانشهر تبریز تحمیل خواهد کرد. ضمن آنکه اختلاط بی‌مقدمه خرده فرهنگ‌ها و انتقال فرهنگ شهرنشینی به دامان فرهنگ اصیل و متعصبانه شهرها و روستاهای اطراف در آینده می‌تواند تبعات و چالش‌های عمده اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشته باشد.

داشتن باغی سرسبز و گذراندن اوقات فراغت در کنار درخت و سبزه و رودخانه هرچند یک مزیت و امتیاز به شمار می‌آید اما اگر این کار بدون رعایت الزامات و شرایط محیطی و منطقه‌ای و لحاظ اوضاع اقتصادی فرد و جامعه صورت گیرد دامان زندگی آرام و بی‌آلایش و صمیمانه شهروندان تبریزی را خواهد گرفت.

.....
نگارنده: محمدامین خوش‌نیت